یادداشت روز

ضرب شست مقاومت فلسطین سنگین‌ترین ضربه تاریخی

۱- حمله گسترده گردان‌های مقاومت فلسطین به رژیم غاصب و جنایتکار اسرائیل، غاصبان و حامیان آنان را در شوک مطلق فرو برده است. جمع‌بندی خبرها بیانگر آن است که در این عملیات بیش از ۲۵۰ نظامی رژیم کشته شده‌اند و بیش از ۱۰۰ نفر از آنان به اسارت درآمده‌اند و صدها نفر نیز زخمی شده‌اند. مقاومت فلسطین در یک عملیات پیچیده و چندوجهی اطلاعاتی، مخابراتی و عملیاتی، آنچنان ضربه‌ای به این رژیم وارد کرد که رسانه‌های سرشناس رژیم غاصب، آن را هولناک و غیرقابل جبران خواندند. نفوذ گسترده گردان‌های فلسطینی به شهرها و شهرک‌های اطراف غزه که منجر به تصرف کامل هفت شهر و شهرک شد، از یک طرف آمادگی کامل فلسطینی‌ها و از طرف دیگر غافلگیری و درماندگی سیستم سیاسی، اطلاعاتی و نیروهای نظامی رژیم را به رخ کشید. مسلماً رژیم باید تاریخ ننگین خود را به دو بخش تا روز شنبه و از روز شنبه به بعد تقسیم کند و در انتظار فروپاشی مطلق و کامل بنشیند.

۲- در تحولات هفته اخیر فلسطین شاهد تحریک جدید از سوی رژیم صهیونیستی بودیم. اسرائیل که از یک‌سو در وضعیت تهدید سیاسی داخلی از ناحیه احزاب مخالف دولت و از سوی دیگر در تهدید شدید امنیتی از ناحیه کرانه باختری است، با هدف چیدن میوه‌ای که هر چند کال است، به شهرک‌نشین‌های غاصب و شرور علامت داد و آنان از روز سه‌شنبه هفته قبل روزانه برنامه‌ای تهاجمی را علیه مسجدالاقصی به اجرا گذاشتند.

در این میان دو اتفاق مهم همزمان در کرانه باختری و غزه به وقوع پیوست؛ در کرانه در حالی که رژیم صهیونیستی بیشتر روی جنین و نابلس تمرکز داشت، فلسطینی‌ها در کل کرانه دست به اعتراض زدند که در جنوب یعنی مناطق متصل به قدس شریف، این اعتراضات شدت بیشتری داشت و کانون آن هم شهر «طولکرم» بود. در تظاهرات و اعتراضات شهرک حواره در جنوب نابلس دو فلسطینی به شهادت رسیدند و دو نظامی صهیونیست به درک واصل شدند و در مجموع حدود ۸۰ فلسطینی در روز جمعه گذشته حین تشییع یک شهید فلسطینی زخمی گردیدند.

از آن طرف گردان‌های عزالدین قسام وابسته به جنبش حماس وارد عملیات نظامی علیه تل‌آویو و شهرک‌های اطراف غزه شدند. بنا به نقل فرمانده گردان‌های قسام، در این عملیات بیش از ۵۰۰۰ موشک و راکت به سمت مناطق مختلف فلسطین‌اشغالی شلیک شده است. به اسارت رفتن تعداد قابل توجهی از عناصر نظامی صهیونیست هم ضرب شست دیگری بود که مقاومت فلسطینی بر این رژیم وارد نمود. شبکه ۱۲ رژیم از هدف گرفتن تل‌آویو با موشک‌های سنگین خبر داد. در این عملیات فلسطینی‌ها از یک تاکتیک نظامی جدید استفاده کردند که بی‌سابقه بود؛ آنان با استفاده از خودروی نظامی به شهرک‌های صهیونیست‌نشین مجاور غزه حمله‌ور شدند. تصاویر این نفوذ هم از طریق موبایل‌ها به فضای مجازی راه یافت و وحشت اسرائیلی‌ها را دوچندان کرد تا جایی که رادیو ارتش رژیم روز جمعه از «نفوذ نیروهای فلسطینی از غزه و از زمین و دریا به درون اراضی‌اشغالی» خبر داد.

۳- رخدادهای اخیر سوریه و کرانه باختری و غزه در فلسطین از تشدید تنش و وضعیت نسبتاً جدید حکایت می‌کند؛ حمله شدید تروریستی بعد از ظهر روز پنجشنبه گذشته به مراسم فارغ‌التحصیلی یک دانشکده نظامی به شهادت نزدیک به ۱۰۰ نفر و زخمی شدن نزدیک به ۳۰۰ نفر انجامیده است که دست‌کم ۳۶ نفر آنان زنان و کودکانی بوده‌اند که در تجلیل از جوانان فارغ‌التحصیل در مراسم حضور داشته‌اند.

در یک اقدام تروریستی دیگر با مجوز و تحریک دولت غاصب اسرائیل، از اواسط هفته پیش، روزانه صدها صهیونیست شهرک‌نشین به مسجدالاقصی یورش برده و مانع ورود مسلمانان به این مسجد شدند. متقابلاً مقاومت فلسطین در شهرهای کرانه باختری دست به تظاهرات زد که حجم آن در شهر «طولکرم» بیشتر بود. تظاهرات در این شهر به درگیری کشیده شد، دو فلسطینی به شهادت رسیده و دو نظامی صهیونیست هلاک شدند و در مجموع نزدیک به ۸۰ فلسطینی شرکت‌کننده در اعتراضات هم زخمی شده‌اند.

این دو واقعه به احتمال خیلی زیاد مرتبط با یکدیگر بوده و برای برهم زدن توازنی که در ماه‌های اخیر به‌طور آشکار به سمت مقاومت سنگینی می‌کرد، صورت گرفته است. کمااینکه بنیامین نتانیاهو بعد از فراگیری اعتراضات در کرانه گفت «ارتش قاطعانه به کار خود برای پاک‌سازی لایه‌های مقاومت در کرانه باختری ادامه خواهد داد».

۴- انفجار خونین بعدازظهر پنجشنبه دانشکده نظامی حمص، از نظر نوع عملیات و حجم تلفات، طی ۳ تا ۴ سال گذشته واقعه‌ای جدید به حساب می‌آید. شواهد و قرائن بیانگر ترکیب دو عنصر نفوذ و بمب‌گذاری می‌باشد. انفجار بمب در پایان مراسم صورت گرفته که خانواده‌ها از جایگاه مخصوص خود به سمت فرزندانشان حرکت کرده‌اند و حداکثر تجمع از یک‌سو و حداکثر بی‌نظمی - که در پایان مراسم رسمی طبیعی است - صورت گرفته است و این برای جنایتکارانی که دستیابی به حداکثر تلفات را مدنظر داشته‌اند، بهترین زمان بوده است. از این رو قاعدتاً عامل یا عوامل نفوذی در تعیین زمان انفجار مؤثر بوده‌اند. این اقدام جنایتکارانه با هر مقدمات، صورت و کیفیتی که به اجرا درآمده باشد فقط عمق کینه طراحان و عوامل آن نسبت به «مردم سوریه» را نشان می‌دهد. هیچ گروهی سوری نمی‌تواند به دلیل مخالفت با حکومت این کشور، جوانان و خانواده‌های مردم سوریه را آماج چنین تهاجم خونینی نماید. بنابراین اگرچه گروه تروریستی تکفیری و وابسته «تحریرالشام» که سابقاً تحت عنوان جبهه‌النصره فعالیت می‌کرد، مسئولیت این اقدام را پذیرفته است اما ابعاد اقدامی که صورت گرفته فراتر از این حرف‌هاست.

۵- در انفجار خونین حمص نقش دو دولت به‌طور خاص قابل اشاره است؛ رژیم صهیونیستی و دولت ترکیه! اگر این فرضیه را بپذیریم که اقدام جنایتکارانه عصر پنجشنبه سوریه را گروه تکفیری تحریرالشام انجام داده است، از آنجا که ابعاد حادثه از تبادل نوعی «اطلاعات خاص» حکایت می‌نماید، پای دولت خارجی به میان می‌آید. به‌خصوص اگر دولتی سوابق دست زدن به چنین اقدامی داشته باشد. عملیات نظامی دولت ترکیه در الباب و المنبج در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و اقدامات رژیم صهیونیستی در بمباران‌های مکرر حومه دمشق و در یک مورد مرکز دمشق و منطقه مزرعه‌الامل در استان قنیطره شباهت زیادی به رخداد خونین دانشکده نظامی حمص دارد. روابط آشکار این گروه تروریستی با رژیم جعلی اسرائیل و دولت ترکیه می‌تواند به‌عنوان سرنخ طراحی خارجی این اقدام هولناک مورد توجه قرار گیرد.

حدود سه ماه پیش پایگاه خبری «نورث پرس» از همکاری سطح بالای اطلاعاتی میان «تحریرالشام» و سرویس امنیتی ترکیه خبر داد که منجر به تحویل معتصم محمد مصری و هارون عواد الدوسری دو عضو القاعده به سرویس ترکیه گردید. کمااینکه رسانه‌ها در خرداد ماه گذشته از دیدار محمد الجولانی رئیس این گروه تروریستی با هیئتی غربی و با حضور یک افسر امنیتی رژیم اسرائیل در شهر «سرمدا» خبر دادند. ارتباطات میان جولانی و سرویس‌های ترکیه و رژیم اسرائیل یک ارتباط عادی نیست؛ کمااینکه گفته می‌شود اطلاعات زمینی مربوط به مراکزی از سوریه که در طول سال‌های گذشته از سوی رژیم اسرائیل بمباران شده‌اند، توسط گروه الجولانی در اختیار تل‌آویو قرار گرفته است.

از نقطه نظر زمانی هم رخداد دمشق برای دو دولت اسرائیل و ترکیه اهمیت ویژه‌ای داشته است؛ از یک‌سو رژیم صهیونیستی با پناه بردن به نظریه قدیمی و منسوخ اسرائیل مبنی بر مشغول‌سازی دشمن در محیط بیرونی، سعی می‌کند توجهات را از کرانه باختری - که نتانیاهو از عزم ارتش برای پاک‌سازی کامل آن از مقاومت خبر می‌دهد - به نقطه پیرامونی منصرف گرداند. شدت حادثه پنجشنبه حمص می‌تواند این مأموریت را به‌عهده بگیرد. حوادث جاری کرانه از روز سه‌شنبه با فشار صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی شروع شده و به زد و خورد شدید در کرانه و به‌خصوص طولکرم در روز پنجشنبه و در جریان تشییع پیکر شهید «لبیب محمد الضبیدی» منتهی گردید. این پنج‌شنبه با آن پنج‌شنبه بی‌ارتباط نیست. کمااینکه همزمانی تحولات حمص با تشدید اقدامات ارتش ترکیه علیه مناطق شمال سوریه از یک‌سو و اقدامات مشترک ترکیه و آذربایجان در قفقاز جنوبی، که هر دو نیاز به پرده‌پوشی و حاشیه‌گزینی دارند، از سوی دیگر، نوعی پیوستگی ژئوپلیتیکی میان اقدامات جبهه مقابل مقاومت را تداعی می‌کند.

۶- در تحولات سوریه، نقش آمریکایی‌ها را باید مستقلاً مورد توجه قرار داد. آمریکا از یک‌سو در منطقه شمال شرق سوریه - موسوم به جزیره - نوعی قرنطینه را اعلام کرده و به حجم نیروهای خود نیز افزوده است و از سوی دیگر علی‌رغم اینکه مدعی حمایت از کردهای سوریه می‌باشد، در برابر اقدامات ارتش ترکیه به لفاظی اکتفا کرده است. علاوه‌بر این، رژیم صهیونیستی در روزهای گذشته با کمک فرماندهی نظامی آمریکا در سوریه، دست به عملیات علیه ارتش سوریه در بادیه و الحطله و یکی دو نقطه دیگر متعلق به ارتش در دیرالزور و نیز معبر بوکمال - قائم زد. نقش آمریکا در هر فعل و انفعالی که علیه دولت سوریه صورت می‌گیرد، آشکار است. اگر بخواهیم گرانیگاه تروریسم در سوریه را نشان دهیم، این گرانیگاه سرفرماندهی پنتاگون در سوریه است. نابودی این سرفرماندهی قطعاً به حذف تروریسم و قطع مداخله نظامی خارجی در سوریه منجر می‌شود.

۷- تحولات سوریه و فلسطین در واقع نه فقط از نظر زمانی به یکدیگر وصل هستند بلکه از حیث مبدأ و منشأ هم حقیقت واحدی را نشان می‌دهند. اقدامات رژیم صهیونیستی علیه سوریه موضوع جدیدی نیست. این رژیم آشکارا حضور مقاومت در سوریه را مسئله‌ای راهبردی و غیرقابل اغماض می‌داند. مقاومت در سوریه دو کارکرد اساسی دارد؛ یک کارکرد آن تهدید مستقیم امنیتی و نظامی رژیم است و کارکرد دیگر آن پشتیبانی از مقاومت فلسطین در کرانه باختری و غزه می‌باشد. رژیم جنایتکار اسرائیل به خوبی می‌داند موضوع تسلیح کرانه و پشتیبانی تسلیحاتی از آن نسبت به ابتدای زمانی که از آن سخن گفته می‌شد، تحول کیفی پیدا کرده و با تکنولوژی‌های جدید می‌تواند به صورتی تکامل‌یافته‌تر و پرحجم‌تر به این منطقه وارد شود. این چیزی نیست که رژیم بتواند در مقابل آن پادزهری تهیه کند. توسل رژیم صهیونیستی به انفجار و ترور، ارتباط مقاومت منطقه با کرانه باختری را قطع نمی‌کند.

سعدالله زارعی

امیرعبداللهیان:

سردار شهید سلیمانی لایق‌ترین نماد صلح جهانی است

وزیر امور خارجه در واکنش به اقدام سیاسی کمیته صلح نوبل گفت: لایق‌ترین نماد صلح جهانی، سردار فداکاری بود که ۲ دهه با تروریسم و خشن‌ترین جنایتکاران مبارزه و امنیت منطقه و جهان را تضمین کرد.

کمیته صلح نوبل در اقدامی سیاسی اقدام به اعطای جایزه به نرگس محمدی کرد.

در همین خصوص نیز حسین امیرعبداللهیان (جمعه) ۱۴ مهر ماه در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: لایق‌ترین نماد صلح جهانی، سردار فداکاری بود که ۲ دهه با تروریسم و خشن‌ترین جنایتکاران مبارزه و امنیت منطقه و جهان را تضمین کرد.

وی افزود: حضور ده‌ها میلیونی مردم در تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی در ایران و عراق و همدلی جهانیان، باشکوه‌ترین و ماندگارترین اعطای جایزه صلح در تاریخ بود.

توصیه کنعانی به کمیته صلح نوبل

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز جمعه شب ۱۴ مهر ماه در واکنش به اقدام سیاسی کمیته صلح نوبل در اعطای جایزه به یکی از شهروندان جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بنیانگذاران سازمان ملل متحد همواره بر تحقق عینی صلح در سطوح منطقه‌ای و جهانی تاکید داشته و همواره بر تقویت فرهنگ صلح اهتمام داشته است؛ اما هیچ‌گاه نمی‌خواهد از صلح و تحقق آن سوءاستفاده شود.

کنعانی افزود: حال شاهد آن هستیم که کمیته صلح نوبل، اقدام به اعطای جایزه صلح به شخصی کرده است که به دلیل نقض مکرر قوانین و ارتکاب اعمال مجرمانه محکوم شده است، این اقدام را حرکتی مغرضانه و سیاسی‌کاری دانسته و محکوم می‌کنیم.

وی افزود: اقدام کمیته صلح نوبل، تحرکی سیاسی در راستای سیاست مداخله‌جویانه و ضدایرانی برخی دولت‌های اروپایی از جمله دولت مقر کمیته نوبل بوده که نشان‌دهنده انحراف مایوس‌کننده آن از اهداف اولیه آن و بهره‌برداری ابزاری از کمیته صلح است.

سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: در بیانیه این کمیته ادعاهای نادرست و خلاف واقعی در مورد تحولات ایران مطرح شده است که حکایت از رویکرد برخی دولت‌های اروپایی برای جعل اخبار و تولید روایت‌های مغشوش و انحرافی در مورد تحولات داخلی ایران است.

کنعانی خاطرنشان کرد: ملت ایران طی بیش از چهار دهه شاهد فشارهای سیاسی و اقتصادی از جمله تروریسم اقتصادی و غیر انسانی برخی کشورهای غربی علیه خود بوده و این در حالی است که مدعیان حقوق بشر هیچ‌گاه جرأت محکوم کردن این جنایات یا ادای احترام به مقاومت بی‌نظیر مردم ایران در برابر تحریم‌های ظالمانه، ضدبشری و مغایر با تعهدات بین‌المللی غرب را نداشته‌اند.

سخنگوی وزارت امور خارجه عنوان کرد: اقدام اخیر کمیته صلح نوبل حلقه‌ای دیگر از زنجیره فشار محافل غربی علیه ایران است که نتیجه‌ای جز جزم شدن عزم ملت ایران در پیگیری سیاست مستقلانه خود ندارد و البته این رویکرد نامتعارف و گزینشی هرگز از اذهان آزاداندیشان پاک نخواهد شد.

به گزارش فارس، کنعانی در پایان با تاکید بر آرمان جمهوری اسلامی ایران برای استقرار صلح و عدالت در سراسر جهان در پرتو همکاری موثر و دوستانه بین ملت‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز، به کمیته صلح نوبل توصیه کرد: به جای ایفای نقش ابزاری در اعمال سیاست‌های مزورانه برخی کشورهای غربی، جایزه صلح نوبل را به اشخاص یا تشکل‌هایی اعطا کند که صادقانه به دنبال ترویج فرهنگ صلح و عدالت در جهان و بین ملت‌ها هستند.

بلاروس: همکاری کشورهای مستقل در مقابله با سیاست‌های غرب افزایش یابد

معاون دبیر شورای امنیت ملی بلاروس در دیدار معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران، تقویت همکاری و همگرایی کشورهای مستقل بر اساس منافع مشترک و در مقابله با سیاست تحریم کشورهای غربی را خواستار شد.

الکساندر نوروفسکی این سخنان را در دیدار با علی باقری معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران که با هدف شرکت در ششمین نشست رایزنی‌های سیاسی دو کشور به مینسک پایتخت بلاروس سفر کرده بود، بیان کرد.

معاون دبیر شورای امنیت ملی بلاروس در این دیدار با ابراز خرسندی از سطح فعلی روابط این کشور با ایران به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و در مجامع بین‌المللی، همگرایی بر اساس منافع مشترک و تلاش برای مقابله با سیاست‌های تحریمی و همه‌جانبه کشورهای غربی علیه کشورهای مستقل را مورد تاکید قرار داد.

وی ابراز امیدواری کرد که در آینده شاهد گسترش هر چه بیشتر همکاری ایران و بلاروس در تمام زمینه‌ها از جمله سیاسی و امنیتی باشیم.

معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران نیز در این دیدار با یادآوری تلاش‌های مستمر کشورهای غربی به رهبری آمریکا، برای تحمیل یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل در راستای تامین منافع معدود کشورهای غربی، بر ضرورت همگرایی بیشتر و مساعی مشترک کشورهای مستقل جهان تاکید کرد.

باقری همچنین با اشاره به جایگاه و اهمیت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس در منطقه و با تاکید بر اراده مقامات عالی‌رتبه دو کشور برای توسعه همکاری‌ها و با اتکا به مناسبات دوجانبه در همه عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، ابراز امیدواری کرد که در آینده، نهادهای ذی‌ربط سیاسی و امنیتی دوکشور بیش از گذشته در راستای هم‌افزایی سیاست‌ها و تلاش‌های خود اقدام کنند.

طرفین در این دیدار با تاکید بر ضرورت توسعه همکاری‌های دو کشور در همه عرصه‌های موجود و ایجاد سازوکارهای جدید همکاری در زمینه‌های امنیتی - سیاسی، طیفی از موضوعات مورد علاقه دو کشور را بررسی کردند. جمهوری بلاروس، سرزمین محصور در خشکی در اروپای شرقی است که با کشورهای روسیه، اوکراین، لهستان، لیتوانی و لتونی هم‌مرز است. پایتخت آن شهر مینسک است.

معاونان وزرای خارجه ایران و بلاروس بر تقویت همکاری‌ها تأکید کردند

علی باقری معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران در سفر به بلاروس با یوگنی شستاکوف معاون وزیر امور خارجه جمهوری بلاروس ملاقات و در خصوص طیف گسترده‌ای از موضوعات دوجانبه و بین‌المللی بحث و تبادل نظر کرد.

معاون وزیر امور خارجه ایران در این نشست اظهار داشت: تحریم‌های یکجانبه، غیرقانونی و ناقض حقوق بشر است و مقابله آن، لازمه صیانت از اصول، قواعد و مقررات حقوق بین الملل است.

باقری خاطرنشان کرد: کشورهای مستقل مسئولیت سنگینی در دوره گذار از نظم یکجانبه‌گرایی به نظم چندجانبه‌گرایی دارند و سازوکارهای بین‌المللی ماند سازمان همکاری شانگهای و بریکس با توجه به ظرفیتی که دارند می‌توانند بسترساز نظم نوین جهانی شوند.

علاقه‌مندی بلاروس به استفاده از تجربیات ایران در مقابله با تحریم یوگنی شستاکوف معاون وزیر امور خارجه بلاروس نیز در این نشست ضمن اشاره به روابط خوب دو کشور در گذشته و حال، برخی از اقدامات سوء غرب به خصوص اعمال تحریم علیه بلاروس را برشمرد و خواستار استفاده از تجربیات موفق جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تحریم‌ها شد.

به گزارش ایرنا، در ادامه این نشست که با حضور سفیر ایران در بلاروس برگزار شد، موضوعات متنوع سیاسی، اقتصادی و کنسولی در روابط فیمابین و راه‌های توسعه و تحکیم همکاری‌های ایران و بلاروس در حوزه‌های مختلف مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و دو طرف بر لزوم استفاده بیشتر از ظرفیت‌های موجود جهت ارتقای همه‌جانبه روابط در تمام سطوح به منظور تأمین نظر مقامات عالی دو کشور تأکید کردند.

خبر ویژه

این ننگ هم برای افراطیون مدعی اصلاحات ثبت شد

در حالی برخی محافل اصلاح‌طلب ترجیح دادند از کنار اهدای جایزه صلح نوبل به یک عنصر گروهکی با بی‌اعتنایی عبور کنند، برخی محافل دیگر در این طیف، همسو با رژیم صهیونیستی و برخی گروه‌های تروریستی ابراز ذوق‌زدگی کردند.

دیروز آذر منصوری از اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی استقبال کرد که محمدی، از حامیان تحریم ایران است و با برخی گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلب در ارتباط بوده است. به همین دلیل هم وزیر اطلاعات اسرائیل، به نرگس محمدی تبریک گفته و نوشت: «از شنیدن برنده شدن جایزه صلح نوبل نرگس محمدی خرسند شدم.»

همچنین سرکرده سازمان منافقین و برخی گروهک‌های تجزیه‌طلب و افرادی مانند عبدالحمید اسماعیل‌زهی، به نرگس محمدی که سابقه اقدام علیه امنیت ملی را هم دارد، تبریک گفتند؛ بلی آن که پاسخ دهند چه ارتباطی میان آنها و رژیم تروریست صهیونیستی وجود دارد؟!

بیانیه استقبال و تبریک رئیس جبهه اصلاحات در حالی است که خاتمی در زمان ریاست‌جمهوری و به هنگام اهدای جایزه مشابه به شیرین عبادی، از بی‌حجاب حاضر شدن وی در مراسم دریافت جایزه انتقاد کرده و گفته بود: «امیدوارم او کاملا به منافع جهان اسلام و ایران توجه داشته باشد و به هیچ وجه اجازه ندهد که از این موقعیت به دست آمده سوءاستفاده‌ای شود. اعطای این جایزه، ناشی از انگیزه‌های سیاسی است. به عنوان برندگان جایزه صلح نوبل گفت: «اگر برندگان جایزه صلح نوبل در ۴۰ سال گذشته و از جمله اسحاق رابین و شیمون پرز را بررسی کنیم مشاهده می‌کنیم که ملاک‌های تعیین‌کننده برای این جایزه ملاک‌های سیاسی بوده‌اند. طبعا دنیای اسلام توقعاتی دارد؛ امروز باید بدانیم که صلح را چه کسانی در دنیا به خطر می‌اندازند و چه کسانی حقوق‌شان در معرض تجاوز است؛ باید دید در فلسطین چه می‌گذرد و تهدیدهایی که علیه ایران می‌شود، چیست؟ امیدواریم هیچ فردی در هیچ موقعیتی اجازه ندهد که از وجود وی علیه مصالح کشور و مسلمانان سوءاستفاده شود».

یادآور می‌شود تقی رحمانی، همسر پاریس‌نشین نرگس محمدی، ضمن اذعان به سیاست‌بازی در واگذاری جایزه، به رادیو فردا گفت: «جایزه نوبل به نرگس به‌عنوان یک نماد و فعال جنبش زن، زندگی، آزادی داده شده است.» نرگس محمدی به نقل از همسرش در خانواده‌ای بوده که سابقه فعالیت و عضویت در گروهک تروریستی منافقین را داشته‌اند. او به همراه خانواده خود از رامین حسین‌پناهی، (تروریست تجزیه‌طلبی که به عضویت گروه کومله درآمده بود و قصد اقدام تروریستی در ایران داشت)، حمایت کردند. از طرفی دیگر نرگس محمدی اقدام به حمایت از تحریم‌های علیه ایران کرده بود.

در میان نشریات اصلاح‌طلب، برخی از آنها به‌خاطر بی‌اعتباری جایزه سیاسی صلح نوبل، ترجیح دادند اصلا به این خبر نپردازند اما هم‌میهن و اعتماد و شرق به آن پرداختند. در این میان، شرق ذوق‌زدگی به خرج داده و نوشت: اتفاق بزرگی رخ داد و برنده جایزه صلح نوبل از ایران انتخاب شد. نرگس محمدی، فعال سیاسی و فعال حقوق بشر به‌عنوان برنده امسال انتخاب شد. نام او برای همه ایرانیان در گوشه و کنار جهان آشناست. رئیس کمیته صلح نوبل، نام «نرگس محمدی» را به‌عنوان برنده امسال اعلام کرد و گفت: «جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی به‌دلیل تلاش برای ارتقای حقوق بشر و آزادی برای همه اهدا شد. او در مجموع ۱۳ بار دستگیر و پنج‌بار مجرم شناخته شده است.» اعطای جایزه به نرگس محمدی از سنت دیرینه‌ای پیروی می‌کند که در آن کمیته نوبل نروژ جایزه صلح را به کسانی اعطا کرده است که برای پیشبرد عدالت اجتماعی، حقوق بشر و دموکراسی تلاش می‌کنند. اینها پیش‌شرط‌های مهمی برای صلح پایدار هستند».

روزنامه هم‌میهن در خبری با عنوان «جایزه زنانه»، به استقبال ماجرا رفت. اما رادیو زمانه وابسته به طیفی از اپوزیسیون مقیم هلند، با نگاهی انتقادی نوشت: «آری به صلح، نه به نوبل. «آری به صلح» یک اصل اخلاقی/ اجتماعی تراتاریخی است؛ و «نه به نوبل» راهبردی پایدار در مبارزه‌های رهایی‌بخش، تا وقتی که جهان بر مدار سلطه شمال بر جنوب می‌چرخد. احترام به مبارز اما همیشه تا اطلاع ثانوی است. احترام برای شجاعت و پایداری نرگس محمدی در مبارزه بیشتر می‌شد اگر او این جایزه را رد می‌کرد، جایزه‌ای که در فهرست دریافت‌کنندگانش نام جنگ‌سالاران بسیار بدنامی دیده می‌شود.»

اشاره رادیو زمانه به افراد جنایتکاری مانند هنری کیسینجر (بانی جنایات گسترده در شرق آسیا و شیلی)، وودرو ویلسون، تئودور روزولت، مناخیم بگین و اسحاق رابین و شیمون پرز(زمامداران جنایتکار رژیم صهیونیستی) است. هیئت‌مدیره اهدای جایزه صلح نوبل، تمایل کاملا منفعلانه‌ای نسبت به آمریکا دارند، چنان‌که با وجود بیشتری ضربات آمریکا به صلح و امنیت جهانی، شمار زیادی از برندگان جایزه صلح نوبل، آمریکایی بوده‌اند.

نکته قابل تامل دیگر این است که هرگز منتقد و معترض دارای نگاه اپوزیسیون نسبت به نظام‌های آمریکایی یا اروپا را پیدا نمی‌کنید که همانند معارضان شرقی، نامزد جایزه صلح نوبل شود.

از سوی دیگر، «نرگس صفیه محمدی» چه در ایران و چه در اروپا، آن‌قدر ناآشنا و گمنام است که رسانه‌های اروپایی مانند اسکای‌نیوز، به‌جای عکس او، تصویر یک بازیگر ایرانی همنام را به‌عنوان برنده جایزه «صلح نوبل» منتشر کردند!

گزارش BBC از شکست بی‌سابقه دیوار امنیتی اسرائیل

در حالی که عضو تیم گرداننده روزنامه هم‌میهن در واکنش به عملیات رعدآسای مقاومت فلسطین، اقدام به قدرتمندنمایی اسرائیل کرده بود، خبرنگار متواری اصلاح‌طلب در وبسایت بی‌بی‌سی تصریح کرد دیوار امنیتی اسرائیل دچار شکست بی‌سابقه شده است.

احمد زیدآبادی تحلیلگر روزنامه هم‌میهن نوشت: «اسرائیل و فلسطین! باز هم جنگ! باز هم تلفات انسانی و مالی! باز هم ادامهٔ چرخهٔ خشونت! آخرش هم آتش‌بسی شکننده با تغییراتی جزئی بر روی زمین! به زعم من، فلسطینی‌ها با جنگ و عملیات مسلحانه به حق‌شان دست نمی‌یابند و شرایط را برای خودشان از جهاتی وخیم‌تر می‌کنند.

اسرائیلی‌ها هم با ادامهٔ اشغال خاک فلسطینی‌ها و نقض مستمر حقوق آنان و تعرض به حیثیت انسانی‌شان، به حیثیت انسانی خود آسیب می‌زنند و در زنجیرِ خودبافتهٔ زورگویی و خودخواهی و سلطه‌طلبی و فریب‌کاری خویش روز به روز اسیرتر می‌شوند.

راه درست، مبارزهٔ مدنی برای فلسطینی‌ها و تن دادن به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل برای اسرائیل است. فعلاً راهی جز این برای رهایی هر دو طرف، یکی از قید ستم و دیگری از قید ستمکاری دیده نمی‌شود».

او همچنین نوشت: «آتشفشانی در آستانهٔ فوران است. خدا کند عملیات حماس در داخل اسرائیل آغاز باز شدن جعبهٔ پاندورای جنگ فراگیر در خاورمیانه نباشد. وضع منطقه خطرناک است مانند آتشفشانی که اگر با تمام قدرتش فوران کند، زندگی بسیاری از ساکنان خاورمیانه را خواهد سوخت. احتمال خاموش شدن این آتشفشان فعال هم می‌رود. ببینیم دنیا چه خواهد کرد و ما چه خواهیم شد!».

این نوشته در حالی منتشر شده منطق مذاکره و سازش با رژیم صهیونیستی و به امید سازمان ملل نشستن، صرفا موجب توسعه اشغالگری صهیونیست‌ها در دهه‌های گذشته شد.

در همین حال، نفیسه کوهنورد، همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب که اکنون با بی‌بی‌سی همکاری می‌کند، در وبسایت این شبکه و در تحلیلی با عنوان «شکست بی‌سابقه دیوار امنیتی اسرائیل» نوشت: تحولات امروز شکست بی‌سابقه دیوار امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل است. تصاویر سوررئالی که از فرود آمدن نیروهای حماس با گلایدر از هوا در شهرک‌های نزدیک مرز غزه و همزمان ورود زمینیشان با موتور سیکلت‌ها به این مناطق، عملیاتی نیست که ظرف یک شب یا حتی در یکی دو هفته طرح‌ریزی شده باشد. همه اینها این سؤال را پیش می‌آورد که چطور چنین عملیات گسترده‌ای، از دید سرویس استخباراتی اسرائیل دور مانده است؟

دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل در منطقه و جهان به عنوان یکی از زبده‌ترین و پیشرفته‌ترین سرویس‌های جاسوسی شناخته می‌شوند، با صدها عملیات حساس و پیچیده موفق در کارنامه‌شان. از ترور رهبران حماس تحت شدیدترین تمهیدات امنیتی تا ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی در تهران. با همه اینها، شهرک‌نشین‌های اسرائیلی نزدیک مرز غزه، امروز صبح را نه فقط با باران راکت‌های حماس که با جولان دادن شبه‌نظامیان این گروه درست جلوی در خانه‌هایشان شروع کردند.

ارتش اسرائیل می‌گوید عملیات «شمشیرهای فولادین» را در پاسخ به این حمله حماس آغاز کرده و می‌شود انتظار داشت که غزه و شاید حتی مناطق فراتر از آن برای روزها موشک‌باران شوند اما این سؤال همچنان باقی خواهد ماند که چطور سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل از پیش‌بینی چنین عملیاتی بازماندند چیزی که قطعا مدت‌ها برای گروه‌ها و کشورهای ضد اسرائیل مانند حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران ملازمه‌ای برای پروپاگاندا علیه دشمن خواهد بود.

گفت و شنود

بعداً سراغ تو میام!

گفت: هنوز یک هفته از تهدید نتانیاهو علیه ایران نگذشته است که رژیم صهیونیستی با سخت‌ترین و هولناک‌ترین شرایط عمر جعلی خود روبه‌رو شده و حمله نیروهای مقاومت با عنوان «طوفان الاقصی» امان صهیونیست‌ها را بریده است.

گفتم: چندین شهرک صهیونیست‌نشین به تصرف نیروهای مقاومت درآمده است، صدها صهیونیست کشته و اسیر شده‌اند. چندین تانک و خودروی نظامی به غنیمت گرفته شده است.

گفت: تعداد بسیار زیادی از صهیونیست‌ها نیز به بیابان‌های اطراف فرار کرده‌اند، رژیم صهیونیستی برای آتش‌بس به گدایی و التماس افتاده است و...

گفتم: برخی از کشورهای عربی را بگو که می‌خواستند روی این اسب بازنده شرط‌بندی کنند و حالا می‌بینند این اسب نه فقط بازنده است، بلکه مُردنی هم هست!

گفت: اتفاقاً حزب‌الله اعلام کرده است که این برای کشورهایی که درپی عادی کردن روابط با رژیم صهیونیستی هستند هم درس‌آموز است.

گفتم: طرف درِ یخچال را باز کرد که آب بخورد، ژله توی یخچال شروع به لرزیدن کرد! به ژله گفت؛ فعلاً میخوام آب بخورم، بعداً به سراغ تو میام!

نکته

جایزه صلح نوبل سفیده تخم‌مرغ است!

**۱- ابتدا، اجازه بدهید به خاطره‌ای اشاره کنم که وصف‌الحال است. این خاطره را از زندان سیاسی دوران ستم‌شاهی به خاطر دارم. اواسط سال ۱۳۵۶ بود. ملاقاتی‌ها مقدار زیادی سیب برای عزیزان زندانی خود آورده بودند و آن روز به اتفاق مرحوم دکتر صادقی (از برادران هم‌بند) درحال تهیه مربای سیب بودیم. تهیه مربا در زندان ممنوع بود ولی کمپوت مانعی نداشت -چرا؟! هنوز هم نمی‌دانم!- بند ما، بند محکومان طویل‌المدت بود و در مقایسه با سایر بندها که زندانیانی با محکومیت‌های کمتر داشت، از برخی آزادی‌ها نظیر در اختیار داشتن چراغ خوراک‌پزی نفتی و... برخوردار بود. سیب‌ها را درون دیگ ریخته و روی سه چراغ والور نهاده بودیم. آب که جوش آمد، شکر را به آن اضافه کردیم. بعد از چند ثانیه متوجه ذرات ریز آشغال شدیم که روی آب آمده بود. هیچ‌کدام تجربه مربا‌پزی نداشتیم و نمی‌دانستیم که باید با آن آشغال‌ها چه کنیم. در این هنگام سرکار مرادی، وکیل بند که هیکل درشت و غول‌آسایی داشت وارد شد و پرسید چه می‌کنید؟ کمپوت درست می‌کنیم! مبادا مربا بپزید؟! نه سرکار. بفرمایید نگاه کنید. سرکار مرادی نگاهی به درون قابلمه بزرگ انداخت و گفت؛ چرا آشغال‌ها را جمع نمی‌کنید؟ گفتیم چطوری؟ با قاشق که چند ساعت طول می‌کشد! نیشخندی زد و گفت: اینا رو باش! بلد نیستند چند تا آشغال رو از دیگ بیرون بی